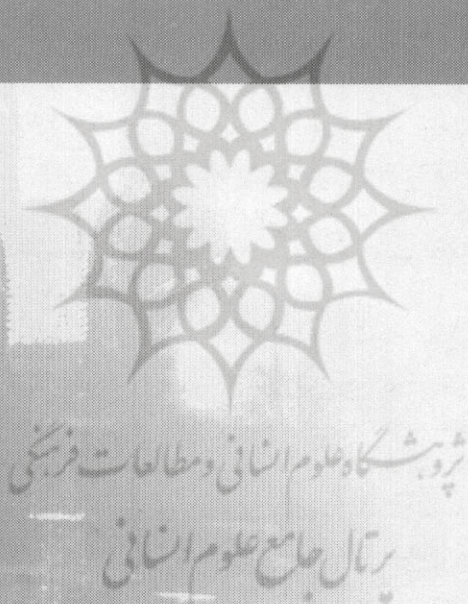


# سیره معصومان (ع)

زندگی امام صادق (علیه السلام)

محمد ناصر حسینی علایی



## کنیه، القاب و وجه تسمیه

جعفر، نامی بود که پدر بزرگوارش امام باقر (ع) بر این مولود نهاد. در وجه تسمیه مولود عزیز به جعفر، خود امام ششم در ضمن پاسخی به سؤال ضریس کنانی که «چرا پدر تو نامت را جعفر نهاد؟» فرمود: یا ضریس! پدر تو از روی جهالت نام تو را ضریس خواند که نام یکی از اولاد شیطان است. در حالی که پدر من از روی علم و آگاهی نام مرا جعفر نامید که نام نهری در بهشت است.<sup>۲</sup>

## جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن

## علی بن ابی طالب (ع)

پیشوای ششم شیعیان جهان، روز دوشنبه یا جمعه هفده ربیع الاول سال ۸۳ یا ۸۶ قمری، پا به عرصه گیتی گذاشت<sup>۱</sup> و چشمان شیفگان آن حضرت به جمال نورانی اش منور شد. این روز بسیار با برکت، مقارن است با تولد مولود دیگری که در ۱۳۶ سال قبل از آن، عالم ملک را با قدم خود متحول ساخت.



امام سجاد (ع) روایتی منقول است که به موجب آن، امام چهارم (ع) فرمودند: «جعفر بن محمد (علیهما السلام) نزد اهل آسمان به صادق شناخته شده است. زیرا از نسل وی فرزندی به نام جعفر متولد می‌شود که به دروغ ادعای امامت خواهد کرد. به همین خاطر او نزد خدا به جعفر کذاب معروف است.»<sup>۴</sup>

جعفر کذاب سعی داشت خود را جانشین امام حسن عسگری (ع) معرفی کند که امام مهدی (ع) به لطف الهی توانست به شیعیان ادعای دروغ او را اثبات کند. وجه افتراق امام ششم از فرزند پنجمش صداقت و راستگویی است.

### وجه متمیزه دوران امامت امام ششم (ع) در مقایسه با سایر امامان (ع)

امام صادق (ع) دوران پرتلاطم زندگی خود را از سال ۸۳ هجری قمری، آغاز کرد و در سال ۱۴۸ هجری قمری به پایان رسانید و ۳۱ سال را در دوران حیات پدر بزرگوارش سپری کرد. دوران امامت امام صادق (ع) از نظر سیاسی، نسبت به امامان قبل و بعد از خود از دو جهت قابل توجه و ممتاز است:

۱. تنوع خلفای دوران امامت: آن حضرت با ۷ خلیفه به نام‌های هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ ه.ق)، ولید بن یزید بن عبدالملک (۱۲۵-۱۲۶)، یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶)، ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (۷۰ روز از سال ۱۲۶)، مروان بن محمد مشهور به مروان حمار (۱۲۶-۱۳۲)، عبدالله بن محمد مشهور به سفاح (۱۳۲-۱۳۷) و ابوجعفر مشهور به منصور دوانیقی (۱۳۷-۱۵۸) مقارن بود.<sup>۵</sup> این تعداد خلیفه در زمان هیچ‌یک از امامان مسبق به سابقه نیست و حال آن‌که دوران امامت امام سجاد (ع) و امام هادی (ع) حداکثر با شش خلیفه همراه بوده است.

۲. تنوع سلسله: دوران امامت امام صادق (ع)، با تغییر سلسله اموی و جایگزینی عباسیان بجای آن‌ها همراه بود. در حالی که اوضاع سیاسی امامان دیگر (ع) این ویژگی را نداشت. با این وجود، سیره عملی امام (ع) در برخورد با حکومت‌های وقت و پشتیبانی از قیام‌های شیعی در برخورد با دستگاه حاکمه و توصیه‌های آن حضرت به شیعیان در اتخاذ روشی مناسب در مواجهه با طواغیت و مانند این‌ها، با توجه به آنچه گفته شد بسیار قابل توجه است. امام (ع) هم دوران آزادی فعالیت و هم دوران استبداد

پدر محترم آن حضرت، امام محمد باقر (ع) و مادر گرامی آن بزرگوار، ام‌فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی‌بکر است کنیه‌های او عبارتند از: ابا عبدالله، ابا اسماعیل و ابوموسی.<sup>۳</sup>

القاب آن حضرت صادق، صابر، فاضل، طاهر، قائم، کافی و منجی هستند که مشهورترین آن‌ها همان صادق است. در این‌که چرا آن حضرت به صادق ملقب شده است، در حالی که همه ائمه هدی (علیهم السلام) به معنای واقعی صادقند، از قول



و خفقان شدید را توأمأ درک کرده بود.

## تعلیم شاگردان

امام صادق (ع) از دوران فترت استبداد و خشونت که عباسیان و امویان با یکدیگر درگیری سیاسی بر سر قدرت داشتند و امویان به سستی گراییده بودند، برای تعلیم شاگردان کمال استفاده را کرده بودند.

این اقدام امام صادق (ع)، به دنبال اقدام پدر بزرگوارش امام باقر (ع) بود. دانشگاهی که توسط امام باقر (ع) تأسیس شده بود، توسط امام صادق (ع) گسترش و تداوم یافت. برخی از تربیت شدگان این دانشگاه که با آموزه‌های جعفری آشنایی خوبی پیدا کرده بودند، عبارتند از: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، مفضل بن عمر، جابر بن حیان، معلی بن خنیس، معاویه بن عمار، علی بن یقطین.<sup>۶</sup>

برخی از این شاگردان به قدری ژرف و عمیق تربیت شدند که خود در چهارچوب آموخته‌هایشان عمود و محور بودند. مثلاً هشام بن حکم، سی و یک جلد کتاب نوشته<sup>۷</sup> و جابر بن حیان نیز پیش از دویست و بیست جلد<sup>۸</sup> در زمینه علوم گوناگون به خصوص رشته‌های عقلی، طبیعی و شیمی، که آن روز کیمیا نامیده می‌شد، تصنیف کرده بودند. به همین خاطر جابر حیان به عنوان «پدر علم شیمی» مشهور شده است. شاگردان امام صادق (ع) منحصر به شیعیان نبودند، بلکه از پیروان سنت و جماعت نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می‌شدند. پیشوایان مشهور اهل سنت، بلاواسطه یا باواسطه شاگرد امام بوده‌اند.

در رأس این پیشوایان، ابوحنیفه قرار دارد که دو سال شاگرد امام بوده است. او این دو سال را پایه علوم و دانش خود معرفی می‌کند و می‌گوید: «لولا السنتان لهلك نعمان: اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می‌شد.»<sup>۹</sup>

## وسعت علمی

گسترش و پیرایش مذهب شیعه تا حدود زیادی مدیون تلاش‌های علمی امام جعفر صادق (ع) است؛ زیرا آن حضرت در مقاطع گوناگون و با استفاده از فشار سیاسی جامعه که در پی

انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس ایجاد شده بود، توانست مبانی فکری تشیع را که تا آن زمان توسط حکومت‌ها مجال نشر نیافته بود، مجدداً احیا و احکام شریعت را تبیین کند و مذهب شیعه را اعتلا بخشد. از این رو «شیعه اثنا عشری» را «شیعه جعفری» نیز می‌نامند.

ابوحنیفه پیشوای مشهور فرقه حنفی می‌گفت: «زمانی که منصور دوانیقی، جعفر بن محمد (ع) را احضار کرده بود، مرا خواست و گفت: «مردم شیفته جعفر بن محمد (ع) شده‌اند. برای محکوم ساختن او مسائل مشکلی را در نظر بگیر.»

من چهل مسأله مشکل آماده کردم. روزی منصور که در «حیره» بود، مرا احضار کرد. وقتی وارد مجلس وی شدم، دیدم جعفر بن محمد (ع) در سمت راست او نشسته است. منصور رو به وی کرد و گفت: «این ابوحنیفه است.»

او پاسخ داد: «بله، می‌شناسمش.»

سپس منصور گفت: «ای ابوحنیفه! مسائل خود را با ابو عبدالله در میان بگذار.»

در این هنگام شروع به طرح مسائل کردم. هر مسأله‌ای می‌پرسیدم، پاسخ می‌داد: «عقیده شما در این باره چنین، عقیده اهل مدینه چنان و عقیده ما چنین است.» در برخی از مسائل با نظر ما موافق و در برخی دیگر با اهل مدینه و گاهی با هر دو مخالف بود. بدین ترتیب چهل مسأله را مطرح کردم و همه را پاسخ گفت. ابوحنیفه به اینجا که رسید، با اشاره به امام صادق (ع) گفت: «دانشمندترین مردم، آگاه‌ترین آن‌ها به اختلاف مردم در فتاوا و مسائل فقهی است.»<sup>۱۰</sup>

ابو بحر جاحظ، یکی از دانشمندان مشهور قرن سوم، می‌گوید: «جعفر بن محمد (ع) کسی است که علم و دانش او جهان را پر کرده است و گفته می‌شود که ابوحنیفه و همچنین سفیان ثوری از شاگردان اوست و شاگردی این دو تن در اثبات عظمت علمی او کافی است.»<sup>۱۱</sup>

امام صادق (ع) علاوه بر آن که مبانی شیعه را تحکیم بخشید، بر بطلان مبانی فکری فرق دیگر نیز اهتمام ویژه داشت؛ به طوری که قیاس ابوحنیفه را در مناظره‌ای که با وی داشت، باطل اعلام کرد.

... امام فرمود: «شنیده‌ام که تو بر اساس قیاس فتوا می‌دهی؟»

— آری.



## انعکاس شاعری از علم امام در توحید مفضل

مفضل بن عمر کوفی یکی از شاگردان امام ششم (ع) است که طی چهار روز از امام مطالبی را آموخت و آن‌ها را در رساله‌ای مستقل به نام «توحید مفضل» گردآوری کرد. در این کتاب حقایق پیچیده و نهفته‌ای در مورد عالم طبیعت، از خود انسان گرفته تا ستارگان بازگو شده است.

«برای تو از حکمت آفریدگار در خلق عالم، درندگان، حیوانات، حشرات، مرغان، هر صاحب روحی از حیوانات، چهارپایان، گیاهان، درختان میوه‌دار و بی میوه و سبزی‌های ماکول و غیر ماکول بیان خواهم کرد، چنانچه عبرت گیرند.»  
آن‌گاه امام از عجائب خلقت مواردی فرمود و مفصل آن‌ها را یادداشت کرد.<sup>۱۳</sup>

## مقابله امام صادق (ع) با دستگاه جور

هم زمان با استبداد منصور دومین خلیفه عباسی که ۲۱ سال از امامت آن حضرت با وی مفازن بود، اتخاذ شیوه‌های مبارزه منفی

القاب آن حضرت صادق،  
صابر، فاضل، طاهر، قائم، کافی  
و منجی هستند که مشهورترین آن‌ها  
همان صادق است

## آن حضرت در مقاطع گوناگون و با

استفاده از فشار سیاسی جامعه که در پی انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس ایجاد شده بود، توانست مبانی فکری تشیع را که تا آن زمان مجال نشر نیافته بود، مجدداً احیا و احکام شریعت را تبیین کند و مذهب شیعه را اعتلا بخشد. از این رو «شیعه اثنا عشری» را «شیعه جعفری» نیز می‌نامند

وای بر تو! اولین کسی که بر این اساس نظر داد، شیطان بود. وقتی که خداوند به او دستور داد به آدم سجده کند، گفت: «من سجده نمی‌کنم؛ زیرا که مرا از آتش آفریدی و او را از خاک و آتش گرمی‌تر از خاک است.»

سپس امام برای اثبات بطلان «قیاس» مواردی از قوانین اسلام را که برخلاف این اصل است، ذکر کرد و فرمود:

به نظر تو کشتن کسی به ناحق مهم‌تر است یا زنا؟  
کشتن کسی به ناحق.

بنابراین اگر عمل کردن به قیاس صحیح باشد، پس چرا برای اثبات قتل، دو شاهد کافی است ولی برای ثابت کردن زنا چهار گواه لازم است؟ آیا این قانون اسلام با قیاس توافق دارد؟  
نه.

نماز مهم‌تر است یا روزه؟  
نماز.

پس چرا به زن حائض قضای روزه واجب است، ولی قضای نماز واجب نیست؟ آیا این حکم با قیاس توافق دارد؟  
نه.

شنیده‌ام که این آیه را «در روز قیامت به طور حتم از نعمت‌ها سوال می‌شوید» چنین تفسیر می‌کنی که: خداوند مردم را در مورد غذاهای لذیذ و آب‌های خنک که در فصل تابستان می‌خورند، مؤاخذه می‌کند.

درست است، من این آیه را این‌طور معنا کرده‌ام.

اگر شخصی تو را به خانه اش

دعوت کند و با غذای لذیذ و آب خنکی از تو پذیرایی کند و بعد به خاطر این پذیرایی بر تو منت گذارد، درباره چنین کسی چگونه قضاوت می‌کنی؟

می‌گویم آدم بخیلی است.

آیا خداوند بخیل است؟

پس مقصود از نعمت‌هایی که قرآن می‌گوید انسان درباره آن مؤاخذه می‌شود، چیست؟

مقصود، نعمت دوستی ما خاندان رسالت است.<sup>۱۴</sup>

و مخفی و علنی و سیاست‌های بازدارندگی و نشان دادن خط مشی مناسب به شیعیان در عدم همکاری با حکومت و پشتیبانی از قیام‌های شیعی و در عین حال دست رد زدن به سینه کسانی که می‌خواستند امام را با خود همراه سازند، از جمله شیوه‌های مبارزه‌ای بود که امام پیش روی مبارزان قرار داد.<sup>۱۴</sup>

بررسی هریک از شیوه‌های یاد شده، مجالی را می‌طلبد. اما در این جا به توضیح

بخشی از مبارزات امام که مبتنی بر عدم شناسایی مشروعیت حکومت وقت و هر حکومتی که فاقد صلاحیت لازم است، پرداخته می‌شود. از دیدگاه امام، مبنای مشروعیت حکومت از سوی خداوند، نه قرارداد اجتماعی و نه زور و یا نظایر این‌هاست. برای نمونه به این خیر معتبر عمر بن حنظله که به سبب اعتماد علما به سندش آن را مقبوله نامیده‌اند و برخی بر آنند که این حدیث از صحاح احادیث است، توجه کنید، عمر بن حنظله می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره دو نفر از شیعیان که درباره دین و یا ارت با یکدیگر نزاع دارند و نزاع خود را نزد پادشاه یا قضاة جائر می‌برند، تا بین آن‌ها حکم صادر کند، سوال کردند که آیا چنین کاری (رجوع به آن‌ها) رواست؟»

فرمود: «هرکس که در حق یا باطل به سلطان و قاضی جائر مراجعه کند و حکم بخواهد، مسلماً از طاغوت حکم خواسته است و آنچه که طاغوت به آن حکم کند، آن را اخذ کند، به باطل گرفته است. اگرچه آنچه که با حکم طاغوت گرفته حق مسلم وی باشد. زیرا آن را با حکم طاغوت دریافت کرده است. در حالی که خداوند فرمان داده است که به طاغوت کفر بورزند. خداوند می‌فرماید: می‌خواهند به نزد طاغوت حکم بزنند، در حالی که به آنان فرمان داده شده است که به طاغوت کفر ورزند.»

گفتم: «پس در این صورت چه کنند؟»

فرمود: «آن دو نفر به نزد کسی بروند که حدیث ما را روایت می‌کند و به حلال و حرام ما می‌نگرد و احکام ما را می‌شناسد. هرچه آن شخص حکم داد، باید به آن راضی شوند که من آن را بر شما حاکم قرار داده‌ام. پس وقتی به حکم ما حکم داد اگر آن حکم را سبک شمردند، پس مسلماً حکم خدا را سبک شمرده‌اند و ما را رد کرده‌اند و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده و آن در



دانشگاهی که توسط امام باقر (ع) تأسیس شده بود، توسط امام صادق (ع) گسترش و تداوم یافت. برخی از تربیت شدگان این دانشگاه که با آموزه‌های جعفری آشنایی خوبی پیدا کردند، عبارتند از: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، مفضل بن عمر، جابر بن حیان، معلی بن خنیس، معاویه بن عمار، علی بن یقطين

حد شرک به خداست.<sup>۱۵</sup>

امام صادق (ع) در روایت یاد شده، مستند فرمایش خود را کلام الهی قرار داده است.<sup>۱۶</sup>

آیه مورد استناد امام، با توجه به آیات قبل و بعد از آن که آیه‌های ۵۸ تا ۶۸ سوره نساء را شامل می‌شود، از مفهوم یگانه‌ای برخوردار است که اگر این ۱۰ آیه را مجموعاً مورد توجه قرار دهیم، عدم مشروعیت و حرمت حکومت طاغوت و رجوع به آن کاملاً روشن شده و حتی در فرازی از این آیات<sup>۱۷</sup>، خداوند به خود سوگند خورده است و آنان را که در مشاجرات فیمابین، غیر رسول خدا را به حکمیت می‌طلبند، فاقد ایمان دانسته است. همچنین در فرازی دیگر، ایمان کسانی که داوری طاغوت را می‌پذیرند، ایمان خیالی می‌داند و در یک کلمه، رجوع به طاغوت و گردن نهادن در برابر امر او را باطل می‌داند.

امام صادق (ع) در این روایت، گستره مفهوم آیه را از زمان پیامبر<sup>۱۸</sup> به زمان‌های بعد معین ساخته و فرموده است: زمانی که شیعیان در موضوعی اختلاف دارند و یکی از معصومان (ع) حضور ندارند، باید به کسی مراجعه کنند که فقیه باشد؛ زیرا سه ویژگی روایت، نظر به حلال و حرام و شناخت احکام به کسی جز فقها قابل تطبیق نیست. با وجود این، در زمان حضور امام که دسترسی به امام ممکن نیست و یا زمان غیبت امام، حکم تا ابد مشخص شده است.

اما طاغوت از ماده طغیان به معنی سرکشی و شکستن حدود و قیود است و یا هر چیزی که وسیله طغیانگری و یا سرکشی است.<sup>۱۹</sup>

در حدیثی نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «الطاغوت کل من یتحاکم الیه من یحکم بغیر الحق: یعنی هرکس

در حدیثی نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «الطاغوت کل من يتحاكم اليه من يحكم بغير الحق: یعنی هر کس به غیر حق حکم کند و مردم او را به داوری بطلبند، طاغوت است»<sup>۲۰</sup>

به غیر حق حکم کنند و مردم او را به داوری بطلبند، طاغوت است.<sup>۲۰</sup>

بر اساس این حدیث، اگر مبنای داوری و حکومت، غیر حق یعنی غیر اسلام و مبانی آن باشد، طاغوت محسوب می شود. در این راستا، امام (ع) حکومت بنی امیه و بنی عباس را مشروع نمی داند و رجوع به آن ها را حرام می داند. در روایتی دیگر، از قول آن امام همام می خوانیم: «ما کسانی هستیم که خداوند فرمانبرداری از آنان را فرض و لازم ساخته است، در حالی که شما از کسی تبعیت می کنید که مردم به خاطر جهالت او در نزد خدا معذور نیستند.»<sup>۲۱</sup>

امام همچنین به فقیهان و محدثان هشدار می داد که به دستگاه حکومت وابسته نشوند و می فرمود: «فقیهان اُمّای پیامبراند. اگر دیدید به سلاطین روی آوردند و با ستمکاران دمساز و همکار شدند، به آنان بدگمان شوید و اطمینان نداشته باشید.»<sup>۲۲</sup>

امام یاران خود را از نزدیکی و همکاری با دربار خلافت بازمی داشت. روزی یکی از یاران امام پرسید: «برخی از شیعیان گاهی دچار تنگدستی و سختی معیشت می گردند و به او پیشنهاد می شود که برای این ها (بنی عباس) خانه بسازد و نهر بکند و اجرت بگیرد. این کار از نظر شما چگونه است؟»

امام فرمود: «من دوست ندارم که برای آن ها گرهی بزنم یا در مشکلی را ببندم، هر چند در برابر آن پول بسیاری بدهند؛ زیرا کسانی که به ستمگران کمک کنند، در روز قیامت در سرپرده ای از آتش قرار داده می شوند تا خدا میان بندگان حکم کند.»<sup>۲۳</sup> روزی ابو جعفر منصور، به امام نوشت: «چرا مانند دیگران

نزد ما نمی آیی؟»

امام در پاسخ نوشت: «ما از لحاظ دنیوی چیزی نداریم که برای آن از تو بیمناک باشیم و تو نیز از جهات اخروی چیزی نداری که به خاطر آن به تو امیدوار گردیم. تو نه دارای نعمتی هستی که بیاسیم به خاطر آن به تو تبریک گوئیم و نه خود را در بلا و مصیبت می بینی که بیاسیم به تو تسلیت دهیم، پس چرا نزد تو بیاسیم؟» منصور نوشت: «بیاید ما را نصیحت کنید.»

امام پاسخ داد: «اگر کسی اهل دنیا باشد، تو را نصیحت نمی کند و اگر هم اهل آخرت باشد، نزد تو نمی آید!»<sup>۲۴</sup>

در روایت دیگر در سوءظن به مبانی اسلام می فرماید: «اگر جمعیتی خدا را بپرستند، نماز را به پا دارند، زکات را بپردازند و روزه ماه رمضان و حج را بجا آورند، ولی نسبت به کارهایی که پیامبر (ص) انجام داده با سوءظن بنگرند و یا بگویند اگر او فلان کار را انجام نداده بود، بهتر بود، آن ها در حقیقت مؤمنان واقعی نیستند. سپس آیه ۶۰ نساء را تلاوت فرمود و بعد فرمود: «بر شما باد که در مقابل خدا و حق همیشه تسلیم باشید.»<sup>۲۵</sup>

## تبلور حرکت سیاسی امام صادق (ع) در قیام

### زید

زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، به سال ۷۹ قمری متولد شد و در سن ۴۲ سالگی در دوم صفر سال ۱۲۱ هجری و [به قولی ۱۲۲ هجری]<sup>۲۷</sup>، در کوفه به شهادت رسید. وی از بزرگان و رجال با فضیلت و عالیقدر خاندان نبوت و مردی دانشمند، زاهد، پرهیزگار، شجاع و دلیر بود و در زمان حکومت بنی امیه زندگی می کرد. گفته اند وی شاگرد واصل بن عطا مؤسس فرقه معتزله<sup>۲۸</sup> بوده است. فرقه ای به وی منتسب است که عقایدی مخصوص به خود دارند. از آن جمله اعتقاد به وجود دو امام در یک زمان و یا تقدم مفضول بر فاضل در خلافت.<sup>۲۹</sup>

او از جمله معتقدان قیام مسلحانه علیه حکام جور بود و در این راه به شهادت رسید و به همین دلیل به، زید شهید<sup>۳۰</sup> مشهور شد. با توجه به شخصیت زید و اقدامات دوران زندگی او می توان به قطع و یقین گفت که فرقه زیدیه هیچ ارتباطی به عقاید این شخصیت بزرگوار ندارد. برای مطالعه بیش تر، به متون تاریخی مربوط که در آن ها به شرح مفصل قیام زیدیه پرداخته شده است، مراجعه شود.<sup>۳۱</sup>



## امام صادق (ع) و قیام زید

امام صادق (ع) در راستای حرکت‌های سیاسی خود علیه حکومت جور، قیام زید را تأیید کرده و حتی وقوع آن قیام با اجازه آن حضرت بوده است. برای اثبات این موضوع، شواهد و قرائنی در دست است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

۱. امام رضا (ع) فرمود: «پدرم، موسی بن جعفر (ع)، نقل کرد که از پدرش جعفر بن محمد (ع) شنیده بود که می‌گفت: زید برای قیامش با من مشورت کرد و من به او گفتم: عموجان! اگر دوست داری که همان شخص به دار آویخته در کناسه (کوفه) باشی، راه تو همین است و موقعی که زید از حضور امام صادق (ع) بیرون رفت. امام فرمود: «وای به حال کسی که ندای او را بشنود و به یاری او نشتابد.»<sup>۳۲</sup>

۲. امام رضا (ع) فرمود: «زید از علمای اهل بیت بود. برای خدا خشمگین شد و با دشمنان خدا جنگید تا در راه خدا شهید شد؛ پدرم از پدرش نقل کرد که فرمود: خدا رحمت کند عمویم زید را که مردم را به قبول اهل بیت دعوت کرد و اگر پیروز می‌شد، به آنچه که می‌گفت عمل می‌کرد.»<sup>۳۳</sup>

۳. امام صادق (ع) در گفت‌وگو با یکی از یاران زید که در رکاب او شش تن از سپاه امویان را کشته بود، فرمود: «خداوند مرادر این خون‌ها شریک گرداند. به خدا سوگند عمویم زید روش علی و یارانش را در پیش گرفتند.»<sup>۳۴</sup>

۴. امام صادق (ع) پس از شهادت زید، خانواده او را تحت تکفل خویش درآورد و توسط یکی از یاران خود از خانواده شهیدای قیام زید تفقد کرد و به آن‌ها کمک مالی رسانید.<sup>۳۵</sup> خود زید نیز ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت (ع) پنهان نداشت و در مقاطع گوناگون نسبت به برادر و برادرزاده خود ابراز محبت و ارادت و اطاعت می‌کرد. به موارد زیر توجه کنید:

۱. زید می‌گفت: «جعفر بن محمد، امام ما در حلال و حرام است.»<sup>۳۶</sup>

۲. از گفته‌های زید است که: «در هر زمانی، یک نفر از ما اهل بیت حجت خداست و حجت زمان ما برادرزاده‌ام جعفر بن محمد است. هرکس از او پیروی کند، گمراه نمی‌شود و هرکس با او مخالفت ورزد، هدایت نمی‌یابد.»<sup>۳۷</sup>

با همه تأییدات و تأکیداتی که درباره شخصیت زید از سوی معصومان (ع) وارد شده است، اما تأیید آن به صورت علنی نبوده

است. علت این است که چون مسأله خروج زید بن علی باید با رعایت اصول احتیاط و حساب شده باشد و ممکن بود مداخله امام و موافقت او با قیام زید به گوش دشمن برسد. نه امام و نه زید و نه اصحاب نزدیک آن حضرت، به هیچ وجه مایل نبودند کسی از آن اطلاع یابد.

مسلم است که زید هم به خونخواهی امام حسین (ع) قیام کرد و هم هدف قیام خود را احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر دانست و خلوص زید در قیام خود پشتیبانی امام را همراه داشت. امام بدین وسیله به آیندگان نشان داد که مبارزه با حکام جور اصل است ولی شکل‌های آن در طول زمان تغییر می‌کند.

## شهادت امام

سبب شهادت امام (ع) را مورخان، به خاطر انگور زهرآگینی که منصور خلیفه عباسی به آن امام همام خوراند، ذکر کرده‌اند. از ام حمیده منقول است که هنگام بروز علائم مرگ، امام دستور داد همه خویشان را جمع کنند و پس از آن که همگان جمع شدند، فرمود: «همانا شفاعت ما نخواهد رسید به کسی که



استخفاف کند به نماز، یعنی نماز را خوار و سبک بشمارد و اعتنا و اهتمام به آن نداشته باشد.<sup>۳۸۴</sup>

در هر صورت، آن امام همام در ۲۵ شوال ۱۴۸ هجری پس از ۶۳ سال<sup>۳۹</sup> زندگی، دار دنیا را وداع گفت. در روز، سال، وفات و سن ایشان بین مورخان گفت و گوست.

وقتی امام از دنیا رفت، خبر آن در اقصی نقاط سرزمین اسلامی منتشر شد و شیعیان خالص در فراق آن حضرت گریستند. امام صادق (ع) را در بقیع کنار قبر پدرش و جدش دفن کردند.

زیرنویس

۱. مناقب آل ابی طالب. ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۲۸۰-۲۷۹.

۲. بحار الانوار. علامه مجلسی ج ۴۷ ص ۲۷.

۳. مناقب ال ایطالب ج ۴ ص ۲۸۱.

۴. علل الشرایع- شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۳۴.

۵. تاریخ الخلفاء، سیوطی، صص ۳۱۲-۲۸۱.

۶. الامام صادق و المذهب الاربعه ج ۱ ص ۷۷-۶۹.

۷. رجال خوئی، ج ۱۹، ص ۲۷۱.

۸. الفهرست، ص ۴۲۳-۴۲۰.

۹. الامام الصادق و مذاهب اربعه ج ۱ ص ۷۰.

۱۰. بحار الانوار ج ۴۷ ص ۲۱۸-۲۱۷.

۱۱. الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۵۵.

۱۲. مفصل آن در بحار الانوار ج ۱۰ ص ۲۲۱-۲۲۰ ج ۲۰.

۱۳. سیره پیشوایان- پیشوایی مهدی ص ۴۱۰-۳۵۳.

۱۴. وسایل الشیعه حر عاملی ج ۱۸ ص ۹۹، ح ۱.

۱۵. آیه ۶۵ نساء.

۱۶. نمونه بینات در شأن نزول آیات. دکتر محقق محمد باقر ص ۲۱۶-۲۱۵.

و تفسیر نمونه ج ۳ ص ۴۲۹ و ۴۵۳ و ۴۴۵.

۱۷. تفسیر نمونه ج ۳ ص ۴۴۳.

۱۸. همان.

۱۹. اصول کافی. کلینی ج ۱ ص ۱۸۶ ح ۳.

۲۰. الامام صادق و المذاهب اربعه ج ۲ ص ۲۱.

۲۱. وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۱۲۹ ح ۶.

۲۲. بحار الانوار ج ۴۷ ص ۱۸۴.

۲۳. تفسیر نمونه ج ۳ ص ۴۵۶.

۲۴. ارشاد مفید، ج ۲ ص ۱۷۰.

۲۵. مروج الذهب ج ۲ ص ۲۰۷-تاریخ طبری ج ۱۰ ص ۴۲۷۶.

۲۶. ترجمه کتاب الملل و النحل شهرستا- مترجم مصطفی خالقدار هاشمی-

ص ۲۰۳ ج ۱ طائعات فرنگی

۲۷. همان ص ۲۰۵-۲۰۲.

۲۸. ناسخ التواریخ. سهر. عباس قلیخان ج ۲ ص ۴۲.

۲۹. تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۲۹۹-۲۹۶-تاریخ طبری ج ۱۰ ص ۴۲۶۷-۴۲۶۵.

۳۰. انقلاب و ریشه های آن: زنجانی عمید ص ۱۳۴.

۳۱. عیون اخبار الرضا- صدوق ج ۱ ص ۲۵۵ باب ۲۵ به نقل از سیره پیشوایان

ص ۴۰۸.

۳۲. عیون اخبار لرضا. صدوق ج ۱ ص ۲۴۸.

۳۳. بحار الانوار ج ۴۶ ص ۱۷۲.

۳۴. رجال الحديث ج ۳ ص ۳۴۸.

۳۵. اختیار معرفة الرجال، طوسی ص ۳۶۱ به نقل از سیره پیشوایان ص ۴۰۹.

۳۶. ثواب الاعمال ص ۵۳۰.

۳۷. منتخب التواریخ ص ۴۲۸.

۳۸. مناقب ال ایطالب ج ۴ ص ۲۸۰.

۳۹. بحار الانوار ج ۴۷ ص ۱.

